

غزل شماره ۳۳۴

کر دست رسد در سر زلفین تو بازم
چون کوی چه سرها که به چوگان تو بازم

زلف تو مرا عمر دراز است ولی نیست
در دست، سر مویی از آن عمر درازم

پروانه راحت بده ای شمع که امشب
از آتش دل پیش تو چون شمع کُدازم

ان دم که بیک خنده دهم جان چو صراحی
مستان تو خواهم که گزارند نمازم

چون نیست نماز من آلوده نمازی
در میکده زان کم نشود سوز و کدازم

در مسجد و میخانه خیالت اگر آید
محراب و کمانچه زدو ابروی تو سازم

گر خلوت ما را شبی از رخ بفروزی
چون صبح بر آفاق جهان سر بفرازم

محمود بود عاقبت کار در این راه

گر سر برود در سر سودایِ آیازم

حافظ غم دل با که بگویم؟ که در این دور

جز جام نشاید که بود محرمِ رازم

تفسیر فال

برای رسیدن به مقاصد خود، هرگز نباید دیگران را فدای اهداف و آرزوهای شخصی خود کنید تا به هدفهای متعالی دست یابید. این نکته بسیار مهم است که ربا و تزویر در این مسیر جایی ندارند؛ چرا که صداقت و یکرنگی، کلید موفقیت شما محسوب می‌شود. تمامی برنامه‌ریزی‌ها و نقشه‌های شما برای آینده، تنها زمانی به واقعیت خواهد پیوست که از طمع و حرص دوری کرده و در عین حال رازهای خود را محفوظ نگه دارید. با حفظ اصول اخلاقی و

انسانی در کارهایتان، عاقبت کارتان خیر خواهد بود و نتایج مثبت تلاش‌هایتان نمایان خواهد شد. این رویکرد نه تنها باعث جلب اعتماد دیگران می‌شود بلکه به شما کمک می‌کند تا از چالش‌های پیش رو با عزمی راسخ عبور کنید. بنابراین، با اتخاذ چنین نگرشی، می‌توانید ضمن حفظ کرامت انسانی خود، به موفقیت‌های شگرفی دست یابید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)